

درباره جرائم سریالی که همچنان به مردم حاشیه‌نشین شهر مشهد زیان می‌رساند و جیب سارقان سابقه‌دار را پرپول می‌کند



مہدی قرآنی

گزارش

گزارش

کسی نمی‌داند در
 شکل‌گیری سرقت‌ها و
 افزایش روزافزون آن
 ابتدا ما ملخ‌ران اموال
 سرپوشه فعالیتشان را آغاز کرده‌اند یا
 با ران. اما آنچه در این مهم وجود دارد:
 شکل‌گیری این کج رفتاری اجتماعی
 است که سالانه ضرر و زیاده هنگفتی را بر
 به‌روندان تحمیل می‌کند. سرقت خودرو،
 موتورسیکلت یا سرقت لوازم داخل خودرو
 این روزها ده‌ها باصدا هفت‌اگر دارد و
 می‌کند، سالانه موجب شکل‌گیری
 هزاران پرونده قضایی در شعبه‌های
 مختلف دادسرا و پایگاه‌های پلیس شده
 است. شهروندی با قسط و قرض خرید
 این کیفیت چندان ساختار را نمی‌خرد،
 یا خودروش را سارق می‌کند از قضا سابقه‌دار
 هم هست. می‌دزد و پس از اوراق شدن
 به بیابان‌های اطراف شهر، اتاق عرانی
 می‌شود تا دیگر هیچ خبری نباشد
 صاحب مال یاخته‌اش نداشته باشد.
 بیس تاکنون سارقان زیادی را دستگیر

برده است که با دستور قضایی به زندان
تاداند. اما هنوز هم افرادی هستند
که پس از رهایی از زندان، دوباره به میدان
بزم کشیده می شوند و راه تبهکاری
گذشته خود را ادامه می دهند؛ همانند
و گروه سارقی که کاراگاهان پلیس
گاهی و عوامل انتظامی مشهد آن ها را
تلاشی کردند و از ۴۹ سرتشکن بر ملا
شد.

نقشه‌های سه نفره برای سرقت خودرو
 رمانده انتظامی مشهد دیروز با اشاره
 به این پرونده‌های سرقت‌های سریالی
 به تشریح جزئیات آن‌ها پرداخت و گفت:
 ونده اول با تلاش کارآگاهان پلیس

سورودر محدوده بولوار توس به پلیس باز شد و مأموران این واحد تجسّس این بازتری وارد عمل شدند.

هرهنگ نگهبان افزود: مأموران با بررسی بدنه های سرق و انجام تحقیقات پدانه ای متهم را شناسایی و به صورت مسوس ریزطر گرفتند. تحقیقات پرونونده ادامه داشت تا اینکه سارق خیابان دستگیر شد. مأموران در اقدام به سرعاصه گاه این فرد رفتند و بازرسی از محل، تعداد زیادی لوازم سرقه شامل ضبط و پخش و باند همراه تعداد زیادی مدارک هویتی را کشف کردند.

پلیس مشهد ادا مه داد: متهم كه ۲۳ سال دارد، در بازجويي هاي اوليه به ييزده فقره سرقت قطعات و محتويات اخل خودرو در محدوده بولوار توس اتراف كرد. متهم به مراجع قضايي مرفي شد و تحقيقات از او ادا مه خواهد

بنام بعدی، دو همدست این سارق سابقه‌دار را دستگیر کردند. در بازرسی مخفیگاه این افراد نیز دو دستگاه خودرو مسروقه و تعداد درخور تپچه‌ها، طعنه‌ها، خنجر و سایر ضبط و پوشی‌ها، یک لاستیک، باتری و اسپیکر همراه با مدارک شناسایی سرقتی کشف شد. بهمان تاکنون ۳۶ فقره سرقت خودرو و لوازم و تجهیزات داخل خودرو در مشهد متراشف کرده‌اند. تحقیقات از این افراد برای کشف دیگر جرائم احتمالی ادامه دارد.

● باز هم توس، باز هم سارق قطعات خودرو
مانده انتظامی مشهد با اشاره به دومین
رونده سرقت، بیان کرد: در این عملیات،
آمران کلانتری معراج مشهد شرکت
آشتند و عامل سرقت‌های سریالی در
نوزه استحقاظی خود را دستگیر کردند.
حقیقات این پرونده در پی گزارش چند
قره سرقت قطعات و محتویات داخل

مناسباتی و در فرصت مناسب آن‌ها را به سرعت کرده‌اند.

در مقام ارائه گزارشی از روند اجرای این برنامه، سرکاره به اطلاع می‌رساند که به‌دست آمده خیلی زود دست‌آموران را به متهم اصلی این پرونده رساند. طولی نکشید که این فرد سابقه‌دار و مناسباتی شد و تحت تعقیب قرار گرفت.

در فرد درحالی توسط کارآگاهان اداره بازرس به سرعت پس از شناسایی متهم، دستگیر شد که درحال انتقال یک دستگاه خودرو پژو ۲۰۶ مسروقه به خفگی‌گاهش بود. این متهم که جوانی بیست‌وشش ساله است، پس از انتقال به مقر انتظامی در روبرو شدن با ادله و مستندات پلیسی به سرعت هفت دستگاه خودرو و ۲۹ فقره سرقت قطعات و محتویات داخل خودرو در منطقه‌های قاسم‌آباد، لولر توس و طریقه به همدستی دو نفر دوستانش اعتراف کرد.

برهنگ نگهبان ادامه داد: مأموران در

گاهی مشهود به نتیجه رسید اجزای که
ار آن منتهی سابقه دار با همکاری دو نفر
دوستانش به پرسه‌زدن در خیابان‌های
شهر مشهود به سرزنی در دستگاه خودرو
سواری را سرق کرده با به آن دستبرد
ده بودند.

هنگ احمد نگهبان افزود: گزارش چند
قره سرق خودرو در منطقه قاسم‌آباد
جاده قدیم قوچان ضابط قضایی را
بر آن داشت تا برای شناسایی سارق
با سارقان ایرونده وارد عمل شوند.
ررسی میدانی کارآگاهان پلیس حاکی
آن بود که این افراد با یک شیوه
شگرد اتفاق افتاده‌اند و همین سرخ
مانه زنی، در باره فعالیت باندی سارقان

قوت بخشید. در اطلاعات به دست آمده بررسی تصاویر چند دوربین مدار بسته شخص شد متهمان در ساعات پایانی شب با پرسه زنی در خیابان های خلوت خودروهای بدون تجهیزات ایمنی را

**طمع، دانش آموز مشهدی را
طعمه کلاهبرداران کرد**

محمود جواد ابوعطا دانش آموز سال چهارم یکی از دبیرستان های مشهد بود. اما بر خلاف دیگر هم کلاسی هایش که این روزها کمتر از خانه خارج می شوند و بیشتر بر روی درس هایشان تمرکز دارند، پیشروان راه دیگری را در پیش گرفت تا ه صدساله رایک شبهه ی را کند. اما حالا. نتنها در میانه راه ناکام مانده. بلکه با یک پرونده قضایی پرومپن است و ده ها شاکی روبرو شده که میماند این پرومپن است آینده تحصیلش را نیز به خطر اندازد.

ماجرای این پرونده از آنجا آغاز شد که پلیس فتای خراسان رضوی با رصد فضای مجازی در آستانه ورود به فصل امتحانات مدارس، تمام تحرکات مجرمان فضای مجازی را کنترل کرده و در این میان، با تعدادی از کانال‌ها و صفحات مجازی روبه‌رو شده که به بهانه فروش سؤالات امتحانات نهایی، از مخاطبان خود کلاهبرداری می‌کردند.

خبر

موضوع به استیقبال مدیران کانال روبه‌رو شده و به این دانش‌آموز پیشنهاد داده‌اند تا یک شماره کارت بانکی که اختیارشان نگذارد و ادامه با آموزش‌هایی که دریافت می‌کند، مبالغ واریزی به حسابش را تبدیل به رمزارز کرده و به کیف پول دیجیتال (والت) مشخصی واریز کند. پسر جوان نیز به طمع دریافت سولانا، بافاصله دست به کار شده و با دریافت گرفتن کارت بانکی خال‌اش، شماره آن را به گرداندن کانال اعلام می‌کند. ادامه نیز مبالغ مختلفی به این کارم واریزی می‌شود و این دانش‌آموز همه آن‌ها را تبدیل به سولاد دیجیتال می‌کند. اما پس از چند روز به مسودشدن حساب زن جوان، او به دستگاه قضایی مراجعه‌اند.

در این میان، زنی با در دست داشتن مرجوعه قضایی به پلیس فتا مراجعه کرد و ماجرای یک شایدهی به پنهان فروش سؤالات نهایی سال چهارم دبیرستان را مطرح کرد. براساس اظهارات زن جوان مشخص شد که پوهرا زادداشت چندین فروش سؤالات را دیده و در ادامه وارد کانالی شده که گردانندگانش مدعی بوده اند در صورت واریز وجه، تمام سؤالات امتحانی را تضمینی در اختیارش خواهند گذاشت.

ادامه بررسی هانسان داد که پسر جوان از آنجا که پول درخواستی از سوی گردانندگان کانال نداشته است به آن‌ها پیشنهاد داده که به ازای فعالیت در کانال، سؤال‌ها را دریافت کند. این

گنجینه‌های اولیه نشان می‌دهد که سؤالات نهایی در واقع تعدادی شاید هیچ سؤال امتحانی‌ای دسترسی پس از فریب دانش‌آموزان، پول‌های حساب‌های واسطه از جمله حساب نقل کرده و پس از تبدیل به رمزارز ردپایی از خود به جا نگذارند. اقدام می‌کرده‌اند.

شناسان پلیس فتا نشان داد که مبلغ ۶۰ میلیون تومان، فقط در حساب خاله این دانش آموز واریز جوان همه را تبدیل به رمزارز کرده ال ناشناسی واریز کرده است. دانش آموز و خاله اش باید پاسخگوی باشند، اما کارشناسان پلیس مان رضوی به منظور شناسایی و پتیمان اصلی این پرونده، تحقیقات از کرده اند.

پیگیری کارش
تاکنون جمعا
۴۸ ساعت به
شده که پسر
وبه کیف پول
هر چند این دان
مالی باستان
فتای خراسا
دستگیری م
جامعی، افغان
از

۵۵۳ تصادف در یک روز

ایران) رئیس پلیس راهور خراسان رضوی از وقوع ۵۵۳ فقره تصادف ۲۴ ساعت گذشته در مشهد خبر داد. سرهنگ عباس عابدینی بیان کرد: «در ۲۴ ساعت گذشته در مشهد ۵۵۳ فقره تصادف در جاده‌های استان رخ داده است. بنا بر تحقیقات صورت گرفته ۳۷۴ فقره تصادف در جاده‌های استان رخ داده است. همچنین ۱۶ فقره تصادف خسارتی بوده و خوشبختانه تصادف منجر به فوت نداشته‌اند». رئیس پلیس راهور خراسان رضوی بیان کرد: «مرکز شهر ۱۰۶ فقره تصادف و شمال ۱۰۶ فقره تصادف. مناطق مسبته که بیشترین فراوانی سوانح را دارندگی را به خود اختصاص داده‌اند». بی توجهی به جلو نیز علت اصلی تصادفات در این شهر است. کلاً، رخ داده است.

متهم سابقه دار باز هم دست به سرقت زد

شهرآرا مأموران کلاستری خلق آباد مشهد، عامل سرقت های سریالی از باغ ویلاهای جاده کلات راناشاسی و دستگیر کردند. متهم به باغ ویلاهای روستاهای جاده مشهد- کلات دستبرد زده و لوازم و ارزش شامل کابل های برق، شیرآلات، پمپ آب، دستگیره در و درب های آهنی را سرقت کرده است. این مرد چهل ساله که دارای چند فقره سابقه کیفری است در مخفیگاهش دستگیر شد. در بازرسی از محل نیز تعداد زیادی اموال مسروقه کشف و ضبط شد. متهم تاکنون به ۹۹ فقره سرقت از باغ ویلاهای جاده کلات اعتراف کرده است.

توزيع افیون با ۲۰۶

شهر آراز و نیز یک‌کننده مواد مخدر در مناطق مختلف شهر مشهد، از سوی پلیس شناسایی شد و به دام افتاد. در این عملیات، عوامل انتظامی کالتری امام رضا^(ع)، متهم در ادیکر خود رو پژو ۲۰ شناسایی و در حالی که مسئول ترابری مواد مخدر بود، دستگیر کردند. در بازرسی از خودرو این سوار ۴۲ کیلوگرم، ۲۱ بسته انواع مواد مخدر به همراه یک دستگاه کارت خوان و یک قبضه چاقو کشف شد. همچنین مأموران در بازرسی بدنی دو نفر از مشتریان این شخص، ۲۱ بسته مواد آفیونی را کشف کردند. متهم اصلی این پرونده دارای سابقه کیفری است که تحقیقات ادامه دارد. متهمان، همدستانان، آزادی داد.

روی خط
حادثه

ایلیا موسایا، ماشین توی تاریکی شبانه باقرق یکنواختی پیش می‌رفت و نوهای زرد چوبه‌ای چراغ‌ها می‌انند می‌گذاشتند و سایه‌ها را آگهی می‌آوردند. پیرزن کلاه سفید و سنگینش را باز کرد و باز کرد. سمت چپ چقه‌سه پنهان‌ش خفای نوخالی احس می‌کرد که دردی عمیق توی آن آشفانه کرده بود. سایه‌ای از تاریک دست‌های پیرزن را گرفته بود و آرام و زیربلی می‌پس می‌زد. راننده مردی چاق‌فاتو و قفایت سسته بود. گفت: «بیدار نشد؟» سایه سیاه نچ کرد. بعد گفت: «چشم باز کرده، آنسند گفته، «حاج خاتوم ای بی‌حاج خانوم... تو که این قدر سوسول نبود می‌مادم، این چه دی‌خیس کرده که به‌زبانی تویی بشیخ... منم می‌گم...» محکم زد و پسرک گوربلی که کنارش روی صندلی شاگرد نشسته بود، «می‌زنم تو پسر کوکش که به‌درد می‌دزد نداره.» پسرک همان‌جا گردش را می‌بست. هاشیت، تو دماغه بود.

راننده گفت: «مادر! مادر! توی آنگاه نگه کرد: «بیداره؟ سایه؟ سایه؟» گفت: «شمشاز رو بسته. صدای لُرزان و شش ششی داشت. پیرزن صداها را مثل طیف های بی وزن و کس در شنید. توی هوا حس می کرد. انگار می توانست صداها را با پوستش حس کند. راننده گفت: «بله، نزدیک بود کار دستمون بی.» و صدای چک آب داری توی اتاقک ماشین چرخید و چرخید: «مبین الانش ممکنه سخته زده باشه. بعد می کنی های مادر و کی کشته؟ باز قصاب کشته!» پسرک نالد: «مگه من کی گفتم؟ به خدا از خودش برپرس. سایه سایه شسته.» «هیس!» صدای راننده باز توی هوا آزاد شد: «حاج خانوم! نه بابا این از حال رفته. سایه گفت: «حالا دود قیفه زبون به دهن بگیرین. رسدیم بیمارستان قشنگش حرف بزنین با هم.» پسرک گفت: «مبین حرف زدن بلده! فقط بلده جلوا و اون بزبنه تو سرم ضایع کنه. راننده گفت: تو خفه که بد جلوا کنی! ام ارت. باز صدای چک نشست روی گردن پسرک. گفت: «اینا... ببین. پیرزن یکی از ششم هاش راباز کرد. حس کرد نیمه دیگر بدش سبک است. انگار گوشه استخوان درماد و فقط حمی سایه مانند از پا افتاده است. سایه گفت: «به خدا! انگار دوتا بچه خرس قند دارم که دما می زنن تو سر و کله هم.» راننده باز صدا بلند کرد: «حاج خانوم. باشو دیگه، چون تو گفتم پول دار شد ولی ماشاء... بزمن به تخته خوب چسبیدی به زندگی، قاه قاه خندید.

سایه گفت: «این چه حرفیه؟ رشته به خدا،» پسرک باز نالید.
 «ماما، به چیزهای بیگانه، جان نخفته در لای توں سرم.» سایه
 سایه دوباره به پسرک نظر اشروع کرد، «راننده گفت: مادر!
 می گم این تخته با این عقل کدش همچین بد هم نگفته.»
 «سایه گفت:» بیمارستان رو رد کردی که! «راننده گفت:
 «باشه حالا، می گفتم مادر! این فلجوزو با عقل ندانسته ش
 بد نگفته، اگر خونه رو بفروشی بایدی رهن، خیلی خبیله
 می شه. تو هم بیاباما بشین، من خودم نوزکیرت رو می کنم.»
 سایه گفت: «آقا از اینجا دور بزن،» راننده گفت: «کبر نده،
 می ریم بیمارستان بعدی. این یکی همچین امکاناتش
 نیست.» پسرک گفت: «حالا به فرض کدش باشه، دارل؟»
 راننده گفت: «چی می گفتم؟» سایه دارم؟ «می دونم بیداری و دارل
 می شنوی.» خراسه ای که از راه های پیرزن جان گرفت
 و نوی ای خشکیده اش لرزید.

پیرزن فقط سایه‌های راحس می‌کرد. توی بخار سبک و مواجی
شاور بود. بعد یکهو باصدای جیغی به خودش آمد. تو
چشمه نادر؟ این دومی بود (راندنه گفت: «شیشه رو بدار»
پاشین هوا بخوره. مادر می‌گرم خونه. سایه گفت: «ایه
هواهای خنک و مطبوعی توی پوست پیر و چروکیده‌اش نفوذ
کرد. سایه گفت: «داره می‌لرزه. راندنه گفت: «مادر! می‌نه
کاغذ می‌نویسم پس تو هم پاش بهر مکر مهم و محبت بریز»
سایه نالید: «فردا که انگشت جهروش رو ببینن آبرو
برامون نمی‌ذارن. راندنه گفت: «هووک، خنک خنک بری
حاج خانوم به مَهری داره بیا ببین. انگشت لازم نیست»
پسرک گفت: «کاغذ رو نامی زمین می‌ذاریم توی اون کیسه
پارچه‌ای که داره... سایه گفت: «این حرفا رو بذار این
بعد. اون قاسم بلاگفته باون شمر دی‌الجوشن کاغذ رو
ببینن می‌سوزون و گی‌گی همه چی باید طبق قانون تقسیم
بشه. چی فکر کردی؟» پسرک گفت: «تاریخش رو بزینم
برای دو سال پیش که کسی شک نکنه. می‌گیم هدیه تولد
بابا بوده. راندنه گفت: «تو خفه بمیر نیکب، داشتی
می‌زدی، حسابه. پسرک هوووف کشید.

باریکی دیگرشان چیزی گفت و زمزمه ای نامفهوم در جوابش آمد. در هایشان مثل زور و حرشرات گنگ و نافهمیدنی شد. بعد آرام آرام همه چیز صدا افتاد. پیرزن سر حد سحر بوده ای غبار در گردبادی سمج و توفنده کشیده می شود. از درد خالی می شد و مایشان رنج می دید که روی خط باریک مسیر حرکت می کند. بعد آن قدر دور شد که زمین یک دانه اوزن شد. بار اینکه باریکی بی انتهای می شد که در آن نقطه ای روشن باسریعت او کورنند نزدیک می ماند. می گذاخت و نزدیک می شد و از پیرزن تشعشعی ششاور باقی ماند.

پایان

جہان

۱۶ کشته در سانحه رانندگی غنا

قی‌آرتی را بر اثر برخورد اتوبوس و تانکر سوخت بایکدیگر در استان مرکزی کشور غنا، شانزده نفر جان خود را از دست دادند. در این حادثه چهار نفر مجروح شدند. مجروحان تحت درمان قرار گرفته‌اند و حال برخی از آن‌ها وخیم است. اتوبوس از لیبریا به مقصد آکرا، پایتخت غنا در حرکت بوده است.

نجات از میان آواره‌های کروکودیل

ایستاد یکی مرد استرالیایی پنجاه و یک ساله به همراه چند نفر دیگر در جزایر پارلز هاردی در محل غواصی بودند که کروکودیل به او حمله کرد. این مرد هشت سال موفق شد فرار کند. سر باز کردن آذوقه های کروکودیل سرش را از میان دهان این خزنده خطرناک بیرون بکشد و فرار کند. اما این حیوان دوباره به او حمله می کند و او را گاز می گیرد. در این میان یکی قایق، فرشته بجاستش می شود و میمورد را که از ناحیه سر زخمی شده بود هواپیمای هوسپیتال به بیمارستان منتقل می کند.

جدول ۳۷۵۸

شگم‌بند حمام موی مجعد	چنگال دزدانگان	یاری جستی معدنچی	توقیف طول	آرای آرای آرای	صوت‌درد گلایی نام پسرانه	موهوم ابتدایی	صفر آزاد	ویتامین جدولی نصف قیمت
	لقب رویبک منصوری نام پسرانه			تیم فوتبال ترکیه‌ای دو یا				تاوه نان پزی
جاودانه بیرون	ارشاد بندری درژاین			سرور نشان مفعول			نام تسمه کمر	ماه‌حیات پاینتخت موربتانی
آرای آرای آرای	اکلیل کوهی			شهر بادگیر				
	بیهوده تندی		زمین‌نغز					
آب چشم کاغذ کبی								
لانه زنبور حرف فاصله	انتها مرکز البرز							
صریح پافشاری	ضمیر غایب							
صحت دروغی								

آرای
آرای
آرای

صوت‌درد
گلایی
نام پسرانه

موهوم
ابتدایی

صفر
آزاد

ویتامین
جدولی
نصف قیمت

شگم‌بند
حمام
موی مجعد

چنگال
دزدانگان

یاری
جستی
معدنچی

توقیف
طول

آرای
آرای
آرای

صوت‌درد
گلایی
نام پسرانه

موهوم
ابتدایی

صفر
آزاد

ویتامین
جدولی
نصف قیمت

آرای
آرای
آرای

صوت‌درد
گلایی
نام پسرانه

موهوم
ابتدایی

صفر
آزاد

ویتامین
جدولی
نصف قیمت

شگم‌بند
حمام
موی مجعد

چنگال
دزدانگان

یاری
جستی
معدنچی

توقیف
طول

آرای
آرای
آرای

صوت‌درد
گلایی
نام پسرانه

موهوم
ابتدایی

صفر
آزاد

ویتامین
جدولی
نصف قیمت